

راه های برون رفت از دین‌گریزی در بعد فردی از نگاه امام علی (ع)

زهرا عبدی^۱

چکیده

دین مسیر سعادت انسان برای قرب الهی است که از جانب خدا به پیامبرانش برای هدایت و سعادت انسان‌ها ایلاغ شده است. در اثر گذشت زمان این هدیه ارزشمند گرفتار فراموشی، فاصله‌گیری از فرمان خداوند و اعراض از آن شده است، این فاصله‌گیری یا واپس‌گرایی از یک سری اصول عقاید، احکام بشری و اخلاق نیک که آن را دین می‌نامیم منشا نگرانی‌ها و انحرافات بسیاری در تاریخ حیات اجتماعی بشری شده است و از این حیث در جوامع اسلامی چالش اعراض از دین و سایر ناهنجاری‌های مذهبی در اثر تغییر و تحولات سیاسی و دینی بیشتر نمود یافته است و همواره مسائلی را برای رهبران دینی، دین‌داران و خانواده‌های متدین به وجود آورده است. در پژوهش حاضر جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای و نهایتاً جهت دستیابی به نتیجه از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. با توجه به روش مطرح شده هدف محقق در این مقاله بررسی راهکارهای فردی مقابله با دین‌گریزی از نگاه امام علی (ع) به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- عبرت گرفتن از گذشتگان ۲- تقویت دین‌مداری در بعد مبانی اعتقادی (اعتدال در امور، پوشاندن عیوب دیگران، داشتن صبر و شکیبایی و اعتقاد به توحید و نفی شرک) ۳- مستمسک شدن به قرآن
 - ۴- اهمیت به کسب و کار و تلاش برای رفع فقر ۵- اهمیت صلح و رحمت ۶- انجام توبه جهت مقابله با دین‌گریزی ۷- کسب روزی حلال ۸- برپایی نماز.
- کلیدواژگان:** دین‌گریزی - راهکار فردی - نهج البلاغه - تقویت دین‌مداری.

^۱ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث - گرایش نهج البلاغه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و دبیر آموزش و پرورش شهرستان نکا.

مقدمه و طرح مسئله

کتاب نهج البلاغه در مجموع یک کتاب اجتماعی، مذهبی، سیاسی و تربیتی است. با مطالعه نهج البلاغه فرد می‌تواند خود را بشناسد و موقع خود را در جهان آفرینش درک کند، با جهان‌شناسی الهی آشنایی پیدا کند، وظیفه خود را در برابر خدا، پیامبر و امام عصرش و اجتماع تشخیص دهد، رابطه خود را با هم‌نوعان در سایه ضوابط و معیارهای اسلامی استحکام بخشد، از مطالعه موجودات مختلف به پیچیدگی مسئله آفرینش و نقش خدا در خلقت موجودات پی برد، از بررسی تاریخی عبرت گیرد، وضع خود را در برابر ارزشهای دین‌مداری و تقویت هنجارهای اجتماعی روشن سازد و با الهام از تعلیمات اخلاقی نهج البلاغه شخصیت اخلاقی خود و جامعه‌اش را به سوی رشد و تکامل سوق دهد و با عوامل متعدد دین‌فروشی به مقابله و مبارزه برخیزد.

امام علی (ع) در خطبه ۱۲۰ یک دیباچه و راهکار کلی توسعه و تقویت دین‌مداری ارائه داده: **تَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُمْ تَبْلِيغَ الرِّسَالَاتِ وَإِتْمَامَ الْعِدَّاتِ وَتَمَامَ الْكَلِمَاتِ وَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ أَبْوَابُ الْحُكْمِ وَضِيَاءُ الْأَمْرِ أَلَا وَإِنَّ شَرَّ أَعْيُنِ الدُّنْيَا وَاحِدَةً وَ سُبُلَهُ فَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحِقٍ وَ غَنِمَ وَ مَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَ نَدِمَ أَعْمَلُوا**. به خدا که دانستم رساندن پیام‌ها را، و انجام دادن وعده‌ها را، و بیان داشتن امر و نهی‌ها را. درهای حکمت الهی نزد ما اهل بیت گشوده است، و چراغ دین با راهنمایی ما افروخته است. بدانید که راه‌های دین که نزد ماست یک راه است، و آن راست و کوتاه است کسی که آن راه را پیش گیرد، به منزل رسیده و غنیمت برده، و کسی که در آن نرود، گمراه است، و پشیمانی خورده. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، ص ۱۱۸)

در ارائه راهکارهای برون رفت از دین‌گریزی یادآوری این نکته ضروری و توجه به این مطلب لازم است که :

اولاً: راه های برون‌رفت از بحران دین‌گریزی در سخنان امام علی (ع) به گستردگی همه معارف علوی و قرآنی می‌باشد که اشاره به همه آنها با توجه به همه زوایای آن در این مختصر قابل‌گنجایش نیست. لذا با توجه به موضوع بحث اجمالاً به مواردی محدود و مرتبط با آن در سه مولفه اشاره مختصر می‌شود.

ثانیاً: راهکارهای برون‌رفت از بحران دین‌گریزی در دیدگاه امام علی (ع) از زوایای مختلف قابل بررسی و تقسیم‌بندی است که در یک تقسیم‌بندی کلی به راهکارهای فردی قابل‌قسمت می‌باشد. چنانکه تمام بحران‌های اعراض از دین بشر و پیامدهای شوم آن و همه مشکلات آدمی در صحنه زندگی ناشی از فراموشی و غفلت از اصول دین و رویگردانی از یاد خداوند و خدافراموشی می‌باشد لذا مباحث راه‌های برون رفت از نگاه امام علی (ع) حول محور مبانی اعتقادی و اخلاقی دین اسلام، خداگرایی و عبودیت، رعایت حقوق شهروندان، اجرای عدالت، کسب روزی حلال و رفع فقر، تقویت ایمان و اهمیت به اصل نماز استوار بوده است.

پیشنه تحقیق

پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با تحقیق عبارتند از:

۱- مقاله "دین‌گریزی، عوامل و راه حل‌ها در پرتو قرآن" تالیف محمد بهرامی چاپ شده در پژوهش‌های قرآنی سال ۱۳۸۳. در تالیف مذکور نویسنده سعی دارد ابتدا عوامل را در قالب مواردی از قبیل: محیط، دوستان و مربیان، فشار و خشونت، ناکارآمد دیدن دین، شک و تردید و... مورد بحث قرار دهد. سپس به راه‌های دین‌گریزی در قالب مواردی از قبیل: معرفی شایسته و بایسته دین، طرح خردمندانه دین، آرامش بخشی دین و طرح سازگاری دین و علم، پیاده‌سازی و عملیاتی کردن دین و... می‌پردازد.

۲- مقاله "ارزیابی استراتژیک از مقوله دین‌گریزی" تالیف لطف‌الله میثمی چاپ شده در ماهنامه بازتاب اندیشه (۱۳۹۲) در مقاله مذکور نویسنده سعی دارد که با بررسی دین‌گریزی در قالب دوره‌های تاریخی مختلف البته در کشور ایران از حیث استراتژیک این مقوله را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۳- مقاله "علل دین‌گریزی جوانان و گرایش آنان به فرهنگ غرب و راهکارهای مقابله با آن" تالیف عالیه باقری (۱۳۹۶) در این پژوهش نویسنده در ابتدا به تبیین مفهوم دین از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری پرداخته است.

روش تحقیق:

در پژوهش حاضر جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای و نهایتاً جهت دستیابی به نتیجه از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. با توجه به روش مطرح شده هدف محقق در این مقاله راهکارهای فردی مقابله با دین‌گریزی از نگاه امام علی (ع) به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- عبرت گرفتن از گذشتگان ۲- تقویت دین‌مداری در بعد مبنایی اعتقادی (اعتدال در امور، پوشاندن عیوب دیگران، داشتن صبر و شکیبایی و اعتقاد به توحید و نفی شرک) ۳- مستمسک شدن به قرآن
- ۴- اهمیت به کسب و کار و تلاش برای رفع فقر ۵- اهمیت صلح رحم ۶- انجام توبه جهت مقابله با دین‌گریزی ۷- کسب روزی حلال ۸- برپایی نماز.

۱- عبرت گرفتن از گذشتگان

عبرت به معنی پند و اندرز گرفتن از حوادث تاریخی و اجتماعی گذشتگان؛ در نهج‌البلاغه مفاهیم و تعابیر متعددی دارد: (العِبْرُ): جمع عبره «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار»: چه بسیار است پندگرفتنی‌ها و چه کم است پند پذیرفتن. «فأنه اوعظ للمعتبرین من المنطق البلیغ»: پس راستی مرگ پند دهنده‌تر است برای عبرت‌یابندگان از گفتار رسا. «و فی آبائکم الماضین تبصره و معتبرا ان کنتم تعقلون»: (آیا نیست شما را در اثرهای پیشینیان) و در پدر آن گذشته بینائی و عبرت اگر هستید به عقل دریابید. (شرقی، قاموس نهج‌البلاغه، جلد: ۳، ۲۵۰)

شخصیت، اندیشه، سبک زندگی و سیاست حضرت علی علیه السلام یک الگوی عالی اجتماعی- تربیتی و نوشتارش یک کلاس درس عبرت‌آموزی برای تمام نسل بشری می‌باشد. زندگی علی (ع) به منزله یک مکتب بزرگ عبرت‌آموزی در تربیت انسان‌ها است. گفتار و کردار و اندیشه‌های پیشوای بزرگ ما همه جنبه پند و اندرز در ابعاد متعدد مهارت‌های اجتماعی - دینی دارند. او نه تنها با الهام از مکتب اسلام ارزش‌های عالی انسانی را مطرح نمود، بلکه خود در زندگی مظهر و نمونه این ارزش‌ها بود. بحث علی (ع) از آفرینش جهان عمق و گسترش درک او را نشان می‌دهد.

از کارآمدترین روش‌های تربیتی که در قرآن و سخنان امام علی (ع) آمده، روش عبرت‌آموزی از وقایع تاریخی و آثار بجا مانده است. تشابه سرگذشت اقوام، زندگی انسان‌ها و اقوام و ملل مختلف با یکدیگر، حسابگری و اندیشه‌ورزی و نیز تأثیرپذیری انسان، اهمیت عبرت‌آموزی را بیشتر نشان می‌دهد؛ یعنی در اثر تعامل این ویژگی‌ها با یکدیگر، حالت عبرت پدید می‌آید. دست‌یابی به بینش، بهره‌مندی از تجارب دیگران، مصونیت نسبی از خطا و در نهایت استفاده بهینه از باقیمانده عمر، از پیامدهای تربیتی و آثار عبرت است. از منابع عبرت، می‌توان به حوادث و تحولات تاریخی، سرگذشت اقوام و ملل، شگفتی‌های خلقت، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، تجربیات اولیه خود انسان و در یک کلام، دنیا و سنت‌های حاکم بر آن اشاره کرد.

در حکمت ش ۳۶۷ فرمودند: **إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْأَعْتَابِ**. اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می‌نگرد. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، حکمت ش ۳۶۷، ص ۵۱۳)

امام علیه السلام در این حکمت به بیان حالات مؤمنانی می‌پردازد که به عکس دنیاپرستان، قناعت‌پیشه و ساده‌زیست هستند و تنها با چشم عبرت به دنیا می‌نگرند. مؤمنان راستین چشم عبرت‌بین دارند و گوشه‌ای که حقایق را می‌شنود و در برابر ندای شیطان و هوای نفس، بدبین و خشمگین‌اند آن‌ها بر اساس کفاف و عفاف زندگی می‌کنند و به‌اندازه نیاز از دنیا بهره می‌گیرند و خود را آلوده آنچه دنیاپرستان گرفتارش هستند، نمی‌کنند.

در حدیث معروفی آمده است: **«كَانَ أَكْثَرُ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ التَّفَكُّرَ وَالْأَعْتَابَ؛** بیشترین عبادت ابوذر، اندیشیدن و عبرت گرفتن بود» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۳)

عبرت‌ها را از نگاه امام (ع) در سه بخش می‌توان خلاصه کرد: بخش اول، عبرت‌هایی که انسان از تاریخ گذشتگان می‌گیرد همان گونه که قرآن مجید در شرح حال پیشینیان به‌کرار به آن اشاره کرده است و امیرمؤمنان علیه السلام در جای جای نهج البلاغه آن را یادآوری می‌کند؛ از جمله در خطبه ۱۸۲ برای بیدار ساختن اصحاب خود می‌فرماید:

«وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً! أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ وَ أِبْنَاءُ الْعَمَالِقَةِ! در قرون گذشته برای شما درس‌های عبرت فراوانی است. کجا هستند «عمالقه» و فرزندان عمالقه!

بخش دوم، درس‌های عبرت‌انگیزی است که در زندگی انسان‌ها در طول عمر خودمان می‌بینیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «فِي تَصَارِيفِ الْقَضَاءِ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَبَابِ وَ النَّهْيِ؛ در دگرگونی‌های حوادث عبرتی است برای صاحبان عقل و اندیشه». در کلام دیگری می‌فرماید: «لَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا أَضَعْتَ مِنْ مَاضِي عُمْرِكَ لَحَفِظْتَ مَا بَقِيَ؛ اگر از آنچه از گذشته عمرت ضایع کرده‌ای عبرت بگیری، باقی‌مانده عمر را حفظ خواهی کرد».

بخش سوم از درس‌های عبرت‌انگیز را در جهان غیر انسان‌ها می‌بینیم. در هر خزانی که بعد از بهار می‌آید، ویرانی‌هایی که پس از عمارت صورت می‌گیرد، زلزله‌ها، سیلاب‌ها، آتش‌فشان‌ها و مانند آن‌ها. (مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۴، ص ۴۵۷)

در بخشی از خطبه ۹۹ در عبرت‌گیری از حوادث دنیا فرمودند:

أوليس لكم في آثار الأولين مزدجر، و في آبائكم الماضين تبصرة و معتبر، إن كنتم تعقلون!
أو لم تروا إلى الماضين منكم لا يرجعون. یا نشانه‌ها که از گذشتگان به جای مانده شما را از دوستی دنیا باز نمی‌دارد؟ و اگر خردمندید مرگ پدران‌تان که در گذشته‌اند، جای بینایی و پند گرفتن ندارد. نمی‌بینید گذشتگان شما باز نمی‌آیند. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، ص ۹۱).

در این خطبه سعی شد در آن مردم را به گرفتن درس و عبرت از گذشت ایام و حوادث تاریخی راهنمایی کند و چنان از بی‌وفایی دنیا و ناپایداری آن سخن بگوید که طالبان و عاشقان دنیا از آن دلسرد شوند و فریب زرق و برق آن را نخورند؛ مخصوصاً تصویر زنده‌ای از کسانی ارائه می‌دهد که به خاطر از دست رفتن عزیزانشان، اشک می‌ریزند و گروهی دیگر آنها را تسلیت می‌گویند و گروه‌های دیگری که در بستر بیماری افتاده‌اند و با مرگ دست به گریبانند؛ تا غافلان را بیدار و مست‌های هوا و هوس را هوشیار کند و در مجموع، عبرت گرفتن از سرگذشت مردما، داروی شفابخشی است برای بیمار دلان دنیا پرست و غافلان مغرور و مست. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۴، ص ۳۵۳)

امام علیه السلام این معلم بزرگ جهان انسانیت، برای بیدار ساختن ارواح خفته، به دنبال بحث‌های بیدارگر گذشته در زمینه ناپایداری دنیا و عدم برگشت زمان سخن گفته است. این فرایند تولد تا مرگ انسان‌ها حاوی نکات عبرت آموزند اگر کسی صحنه‌های آن را بتواند مجسم کند و انسان‌ها پشت سر هم، این صحنه‌ها را ببینند چقدر مؤثر خواهد بود: در جایی کسی از دنیا رفته و بر او اشک می‌ریزند! در جایی دیگر مجلس عزا و یاد بود برپاست و مردم گروه گروه به بازماندگان تسلیت می‌گویند! در جایی دیگر، گروهی در بستر بیماری ناله می‌کنند و به خود می‌پیچند و جمعی از دوستان و آشنایان در گرد بستر آنها، به عنوان عیادت حلقه زده‌اند! در شرح عبرت و درس گرفتن از گذشتگان از جمله اموری

که در اسلام به مسلمان‌ها دستور داده شده، زیارت اهل قبور است که از یک سو، احترامی است به ارواح گذشتگان از مؤمنان و از سوی دیگر، یکی از عوامل مهم بیداری است.

در اهمیت کسب تجربه و تاریخ گذشتگان امام علی (ع) در بخشی از نامه ش ۳۱ گفتند: **مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمَقَرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعَمْرِ**. از پدری فانی، اعتراف دارنده به گذشت زمان، زندگی را پشت سر نهاده. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱، ص ۳۷۱)

نامه‌های امام علی (ع) در طول تاریخ کتابت بشری از جمله بهترین نامه‌ها در زمینه عبرت آموزی می‌باشد.

نامه ش ۳۱، از وصایا و سفارش‌های امام علیه السلام به مخاطبانش شامل تمام افراد بشری بخصوص روشنفکران راه حق، مسلمانان و شیعیان جهان بوده و در قالب وصایایی به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام در حالی که در سرزمین حاضرین (نزدیک شام) هنگام بازگشت از صفین بود، نوشت. این وصیت‌نامه که بعد از نامه مالک اشتر طولانی‌ترین نامه‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه است، یک دوره کامل درس مهارت‌های اجتماعی، دین‌داری و دین‌مداری، مقابله با دین‌فروشی و دین‌گریزی، اخلاق، تهذیب نفس، خودسازی، تربیت نفوس و سیر و سلوک الی الله است در حقیقت از چند بخش تشکیل می‌شود.

امام علی (ع) در بخش اول این نامه، خود و فرزندش را به عنوان نویسنده نامه و مخاطب آن با عباراتی بسیار پرمعنا که با روح مجموع نامه هماهنگ است معرفی می‌کند. در بخش دوم، نامه را به عنوان وصیت پدری دلسوز و پر محبت برای فرزندی که شدیداً مورد علاقه پدر است می‌نگارد.

در بخش سوم تا بخش دهم، وصیت به تقوا، بررسی تاریخ پیشینیان، توصیه به احتیاط در همه امور و تفقه در دین و شکیبایی در برابر مشکلات و لزوم پرهیز از شبهات، توصیه می‌کند. در بخش یازدهم تا بخش بیستم نخست از فزونی مجهولات انسان در برابر معلومات و هشدار نسبت به هر گونه انحراف از حق و تأکید بر پیروی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اینکه هیچ کس بدون تأسی بر او به جایی نمی‌رسد

در بخش بیست و یکم تا سی‌ام یاد مرگ را وسیله بیداری می‌شمرد و از پیمودن راه دنیا پرستان بر حذر می‌دارد، از گذر سریع و ناخواسته عمر سخن می‌گوید و راه‌های تهذیب نفس و پرهیز از آرزوهای دور و دراز را نشان می‌دهد و در ضمن، یک سلسه مسائل مهم اخلاقی را بر می‌شمرد و بر آن تأکید می‌ورزد. نکته دیگر این که مخاطب در این نامه، طبق قالب متون نهج البلاغه، امام حسن مجتبی علیه السلام است و در اکثر نامه‌ها مخاطب آن حضرت است و تنها در یکی از طرق روایت این نامه، مخاطب محمد بن حنفیه شمرده شده است. در حالی که می‌دانیم این گونه تعبیرات در مقام اندرز و نصیحت پدرانه به فرزند، مطلبی رایج است. مهم این است که گر چه مخاطب در این نامه یک نفر است؛ اما هدف ایشان همه شیعیان و مسلمانان جهان، بلکه فرزندان آدم‌اند؛ گویی امام علیه السلام به عنوان پدر

همه انسان‌ها سخن می‌گویند و مخاطبش امام حسن علیه السلام به عنوان همه فرزندان، مورد نظر است.

۲- تقویت دین‌مداری در بعد مبانی اعتقادی دین اسلام

مبانی اعتقادی دین اسلام از اعتبارات شرعی متعلق به اصول دین است و چون مکلف باید از روی یقین و اعتقاد قطعی، به اصول عقاید پای بند و در انجام آن کوشا و منظم باشد، ظن و تعبد در احکام اعتقادی راه ندارد، مانند: وجوب ایمان به خدا و یگانگی او و ایمان به ملائکه و انبیاء و روز قیامت ادای فرایض دینی نماز و روزه، که بر هر مسلمانی واجب است این اعتقادات را به صورت اجتهادی و تعقلی و نه تقلیدی و تعبدی، بررسی نماید (فیض، ۱۳۹۰، مبادی فقه و اصول، ص ۲)

آموزه‌های دینی- اجتماعی نهج‌البلاغه و سنت اهل بیت (ع) بعد از قرآن و آموزه‌های پیامبر (ص)، از مستندترین اسناد تاریخ اسلام بوده و پیروان مذهب شیعه از این امتیاز برخوردارند که در تمام امور زندگی از این مستندات استفاده می‌کنند. امام علی (ع) به چهار شاخصه مهم تقویت دین‌مداری در بعد مبانی اعتقادی اشاره دارد:

الف- رعایت اعتدال و میانه روی ب- نادیده گرفتن عیوب مردم پ- دعوت به توحید و نفی

شرک ت- داشتن صبر

الف- رعایت اعتدال و میانه روی:

یک نگاه به جهان آفرینش نشان می‌دهد که مسأله اعتدال و تعادل در میان نیروها، اصل اساسی بقای این جهان است. امام علی (ع) مسلمانان را به عنوان یک امت وسط ستوده و به همین دلیل آنها را حجت بر سایر مردم جهان قرار داده که می‌توانند با قیاس خود بر این معیار سنجش الهی، کاستیها و زیاده‌رویها را تشخیص دهند و اصلاح کنند.

در حکمت ش ۳۳ پیرامون میانه‌روی در بخشندگی بیان کردند: **كُنْ سَمْحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرًا**. بخشنده باش، اما زیاده‌روی مکن، در زندگی حسابگر باش، اما سختگیر مباش. (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، حکمت ش ۳۳، ص ۴۴۹) امام علیه السلام در این سخن کوتاه و پرمعنا دعوت به اعتدال در بذل و بخشش‌های مالی می‌کند. بسیاری از علمای اخلاق اسلامی، تمام فضایل اخلاقی را حد وسط در میان افراط و تفریط می‌دانند. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج: ۱، ص ۵۶۸)

در کلام پر نور امام (ع) روی این مسأله تأکید شده و جاده اصلی همان طریق وسطی معرفی شده است که آیات قرآن و آثار نبوت را در آن می‌توان یافت و راه نفوذ در سنت معصومان و طریق نجات در آن شمرده شده است. انحراف از این خط مستقیم چه بدبختی‌های عظیمی برای جامعه بشری به بار می‌آورد و همیشه یکی دیگری را به دنبال خود می‌کشاند. همیشه افراط‌ها سرچشمه تفریط‌ها و بالعکس است. یک روز در دنیا چنان در مسأله مالکیت شخصی افراط می‌کنند که همه سرمایه‌ها در دست

افرادی معدود قرار می‌گیرد و قشر عظیم امتها محروم و فقیر می‌شوند. روز دیگر محرومان قیام می‌کنند و مالکیت شخصی را حتی در شکل معتدلش نفی می‌کنند و مرام و مکتبی را روی کار می‌آورند که بعد از هفتاد سال تلاش و کوشش ثمره‌ای جز فقر، بدبختی و عقب‌ماندگی ندارد! و در این میان خون‌های زیاد و بی‌حسابی ریخته می‌شود! در مسائل دیگر - اعم از عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی - همین افراط و تفریطها خمیر مایه اصلی شکستها و ناکامی‌ها و تیره‌روزی‌هاست.

ب- نادیده گرفتن عیوب مردم:

یکی از توصیه‌های دین اسلام، عیب پوشی‌های بندگان خداست. بیان عیب‌های افراد چه در غیاب آنها که غیبت به شمار می‌رود و چه در حضورشان از گناهان سنگینی است که گاه پی‌آمدهای جبران ناپذیری به همراه دارد. عیب جویی بلای بزرگی است که همواره آدمیان را تهدید می‌کند و بسا کسانی که به شدت به آن گرفتارند، بی آن که عیب جویی خویش را عیبی بزرگ به شمار آورند. عیب جویی، کینه و عداوت می‌آفریند و پیوندها را بر هم می‌زند و انسان‌ها را از یکدیگر دور می‌سازد و در مقابل، عیب پوشی مایه تحکیم دوستی و محبت و موجب تقویت روابط اجتماعی و اعتماد و اطمینان افراد به هم است، عیب پوشی از صفات حضرت باری تعالی است.

امام علی (ع) در حکمت ش ۳۴۹ فرمودند: **مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اسْتَعْلَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ**. هر که در عیب خود بنگرد، عیب دیگران را از یاد ببرد.

امام علیه السلام در این گفتار که مجموعه‌ای است از اندرزهای بسیار سودمند و سرنوشت‌ساز، به چند نکته مهم تربیتی در مورد پوشاندن عیب دیگران اشاره می‌کند؛ نخست می‌فرماید: بی‌شک انسان بی‌عیب غیر از معصومان علیهم السلام وجود ندارد. بعضی عیوب کمتری دارند و بعضی بیشتر، بنابراین عقل و درایت ایجاب می‌کند انسان به جای این که به عیب دیگران پردازد به اصلاح عیب خویش پردازد. اصولاً کسی که به اصلاح عیب خویش می‌پردازد مجالی برای عیب جویی دیگران نمی‌بیند و اگر مجالی هم داشته باشد شرم می‌کند و به خود می‌گوید: من با داشتن این عیوب چگونه به عیب جویی دیگران پردازم.

در حکمت ش ۵۱ به رابطه پوشاننده عیب و عاقبت خوش زندگانی در دنیا گفتند: **عَيْبُكَ مَسْتُورٌ مَا أَسْعَدَكَ جَدُّكَ**. عیب پنهان است تا بختت (و اقبال دنیا) به سوی تو است. (شرقی، قاموس نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۵۱)

امام (ع) در این عبارت به چند نکته اشاره داشته: نخست هنگامی که دنیا به کسی اقبال کند تمام عیوب او را به فراموشی می‌سپارند، بلکه گاهی عیب را حُسن معرفی می‌کنند و به عکس، هنگامی که دنیا به کسی پشت کند صفات برجسته او را نادیده می‌گیرند، بلکه گاهی عیب می‌شمرند و این اشتباه بزرگی است که بسیاری از مردم گرفتار آن‌اند. دیگر این که انسان باید تنها نگاه به سخنان مردم نکند و بکوشد عیوب خویش را که از چشم آنها به سبب اقبال دنیا پنهان شده، دریابد و نیز محاسن و صفات نیک

خود را که به دلیل پشت کردن دنیا به او در نظر مردم ناچیز شمرده می‌شود کم نشمرد. در حکمت ش ۳۵۳ بیان نمودند: **أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ**. بزرگ‌ترین عیب آن است که آن چه را که خود داری، بر دیگر عیب شماری. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، حکمت ش ۳۵۳، ص ۵۰۹)

امام علیه السلام در این گفتار پرمعنا به افراد عیب‌جو هشدار می‌دهد. اشاره به این‌که انسانی خود دارای عیبی است و آن را نادیده می‌گیرد حتی ممکن است به آن افتخار کند؛ اما هنگامی که این عیب را در دیگران می‌بیند زبان به نکوهش می‌گشاید و صاحب آن عیب را ملامت و سرزنش می‌کند و گاه بر سر او فریاد می‌زند. چنین انسانی گرفتار تناقض آشکاری است و در آن واحد چیزی را هم خوب می‌داند و هم بد، در حالی که عدم امکان جمع بین نقیضین و ضدین حتی بر کودکان و گاه بر حیوانات هم آشکار است و این نشانه انحطاط فوق‌العاده فکری کسی است که مرتکب آن می‌شود. به همین دلیل امام علیه السلام آن را بزرگ‌ترین عیب شمرده است. در گناهی که انجام داده شتاب نکن شاید او آرمزیده شده باشد و در عین حال بر گناه کوچکی که خود انجام داده‌ای ایمن مباش شاید به سبب آن مجازات شوی، بنابراین هرکدام از شما از عیب دیگری آگاه شود؛ ولی می‌داند خودش عیب دارد از عیب‌جویی او خودداری کند»؛

در حکمت ش ۲۲۲ پیرامون نادیده گرفتن عیوب مردم گفته‌اند: **مَنْ كَسَاهُ الْحَيَاءُ تَوْبَهُ لَمْ يَرِ النَّاسُ عَيْبَهُ**. هر که را جامه حیا بپوشاند، عیب او از مردم پنهان ماند.

امام علیه السلام در گفتار حکیمانه بالا به عبارت "حیا و عیب" اشاره می‌کند؛ حیا را به لباس (زیبایی) تشبیه کرده که بر تن انسان مؤمن است و اگر عیبی نیز داشته باشد به وسیله آن پوشیده می‌شود و مردم آن را نمی‌بینند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۱۳، ص ۶۹۹)

پ- دعوت به توحید و نفی شرک :

بی‌گمان، اصل توحید از جایگاهی والا در میان اصول اعتقادی دینی برخوردار است به گونه‌ای که دیگر اصول اعتقادی، بر این اصل استوار گشته‌اند. امام (ع) بارها به آثار و پیامدهای اعتقاد به توحید اشاره داشته و در بخشی از خطبه ۱۹۲ در مورد توحید فرمودند: **فَقُلْتُ أَنَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنِّي أَوْلُ مُؤْمِنٍ بِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَوْلُ مَنْ أَقْرَبُ بَانَ الشَّجَرَةَ فَعَلْتُ مَا فَعَلَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى تَصَدِيقاً بِنُبُوتِكَ وَ إِجْلَالاً لِكَلِمَتِكَ**. و من گفتم: لا اله الا الله، ای فرستاده خدا! من نخستین کس که به تو گروید، و نخستین کس که اقرار کرد که درخت آنچه را فرمودی به فرمان خدا به جا آورد. تا پیامبری تو را گواهی دهد و گفته تو را بزرگ دارد. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۱)

هدف اصلی امام علی (ع) در این خطبه طولانی بیان اهمیت اصل توحید و نفی شرک، ارائه اندرزهای عالی و انسان‌ساز، مبارزه با کبر، اندیشه‌های شیطانی، غرور و تعصب‌های جاهلی و قومی بوده که در آن دوران، سرچشمه نزاع‌های خونین قبایل و افراد شده است. امام علیه السلام این خطبه را با حمد و سپاس الهی، همان خدایی که عظمت و کبریا مخصوص ذات اوست آغاز می‌کند. بی‌شک عزت

(شکست‌ناپذیری) عظمت (بزرگی) مخصوص ذات پاک خداوند است، زیرا غیر او در برابرش موجوداتی ضعیف و ناتوانند، افزون بر اینکه هر چه دارند از او دارند، هر زمان اراده کند به آنها می‌بخشد و هر لحظه اراده کند از آنان می‌گیرد. در راه شناخت توحید خودبینی و خودخواهی بدترین حجاب است که انسان را از درک واضح‌ترین حقایق بازمی‌دارد.

امام علی (ع) در برخی تعبیرات احترام به حقوق شهروندی را برابری با اعتقاد به توحید دانسته و فرمودند: **و شدّ بالاخلاص و التّوحد حقوق المسلمین فی معاقدها**: حقوق مسلمان‌ها را در مواضع پیمان بندی آن حقوق را به اخلاص و یگانگی بست (یعنی هر کس حق مسلمانی را ضایع سازد مثل ریختن خون او و سایرین است گویا خدا را به یگانگی یاد نکرده و در عمل‌هایش خلوص نداشته) **«انطلق علی تقوی الله وحده لا شریک له»**: برو بر پرهیزکاری و ترس از خدای یگانه بی‌همتا (خدا) را در گفتار و کردارت در نظر داشته باش). (شرقی، قاموس نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۸۳)

ث- داشتن صبر

در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می‌کنند و باز داشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند. عام‌ترین و مهم‌ترین صفت انسانی بازدارنده صبر است. همچنین در معنای خویش‌داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند. ([راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن](#)،

ص ۲۷۳)

امام علی (ع) صبر و شکیبایی را از شاخه‌های مهم ایمان دانسته‌اند: **الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْبَقِيَّةِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجِهَادِ. وَالصَّبْرُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شَعَبٍ: عَلَى الشَّوْقِ، وَالشَّفَقِ، وَالزُّهْدِ، وَالْتَرَقُّبِ**. او او را از ایمان پرسیدند، فرمود: [ایمان بر چهار پایه استوار است، بر شکیبایی، و یقین و داد و جهاد. و شکیبایی را چهار شاخه است: آرزومند بودن، و ترسیدن، و پارسایی و چشم امید داشتن. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، حکمت ش ۳۱، ص ۳۶۴)

امام علیه السلام در این کلام جامع، تفسیری در مورد صبر ذکر کرده که در هیچ منبع دیگری به این گستردگی و وضوح دیده نمی‌شود؛ (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۱۹۷) برای این که انسان بتواند مواضع خود را در مقابل امور چهارگانه صبر روشن سازد باید متکی به عقاید صحیح گردد؛ عشق به بهشت و نعمت‌های بی‌پایانش او را از غلطیدن در شهوات سرکش دنیا حفظ می‌کند و این همان صبر بر طاعت است و ایمان به عذاب الهی در آخرت و خوف از دوزخ او را از گناهان باز می‌دارد، چرا که گویی آتش دوزخ را با چشم خود می‌بیند. از آنجا که بی‌تابی در برابر مصائب به دلیل دل‌بستگی‌های دنیوی است آن کس که زاهد و بی‌اعتنا به دنیا باشد و از این دل‌بستگی‌ها رهایی باید مصیبت در برابر او کوچک می‌شود و صبر در برابر آن آسان می‌گردد. امام علیه السلام علاوه بر سه شاخه معروف صبر شاخه چهارمی هم در اینجا بیان فرموده و آن صبری است که از انتظار مرگ ناشی

می‌شود کسی که در هر لحظه احتمال می‌دهد پروندهٔ حیاتش بسته شود و پنجهٔ مرگ گلویش را بفشارد، با سرعت به سوی کارهای خیر می‌دود تا در فرصت باقی‌مانده کفهٔ عمل صالح خود را سنگین سازد و این نیاز به صبر و استقامت فراوان دارد. امام (ع) تمام شاخه‌های چهارگانهٔ صبر را مرتبط به اعتقادات قلبی می‌شمارد؛ اعتقاد به بهشت، دوزخ، به بی‌اعتباری دنیا و مرگ.

۳- تمسک به قرآن در تمام امور زندگی

امام علی (ع) در خطبه‌های مختلف نهج البلاغه، مکرر در بارهٔ اهمّیت و عظمت قرآن سخنانی ارائه نمودند و هر یک از این سخنان ناظر به مطلبی می‌باشد. در این سخنان مولا علی (ع) بحث جامعی در بارهٔ جامعیت قرآن مطرح فرموده است، زیرا هدف اصلی امام (ع) این بوده که این نکته را بیان کند که اگر رسول خدا (ص) از میان مسلمانان رفته، کتاب جامعی در میان آنان به یادگار گذاشته که برنامهٔ زندگی معنوی و مادی، فردی و اجتماعی آنها را در تمام جهات تنظیم و تبیین می‌کند. نخست می‌فرماید: «او کتاب پروردگارتان (قرآن) را در میان شما به یادگار گذاشت» (کتاب ربکم فیکم). (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۲، ص ۲۳۸) و در سخنانش بارها به تعبیر زیبایی: «استمسک من العری باوثقها»: چنگ زد از بندها و دست آویزها به محکم‌ترین آنها (آنها

قرآن مجید و عترت پیامبر اکرمند). اشاره نمود. (شرقی، قاموس نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۹۵)

در نامه ش ۶۹ در ارزش قرآن و تأثیرش در تمام ابعاد زندگی ما فرمودند: و من کتاب له (علیه السلام) (إلى الحارث الهمدانی: وَ تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَ اسْتَنْصَحَهُ وَ أَحَلَّ حَالَهُ وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ. و از نامه آن حضرت است به حارث همدانی: و چنگ در ریسمان قرآن زن و از آن نصیحت پذیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام گیر (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، ص ۳۵۳)

این نامه مجموعه‌ای است از نصایح و اندرزها و اوامر و نواهی و دستوراتی برای بهتر زیستن در جهات معنوی و دنیایی با محتوا و اندیشه‌های قرآنی بوده و اهداف امام در نگارش این نامه توصیهٔ اکید نسبت به اطاعت از فرامین قرآن مجید در امور زندگی کرده و می‌فرماید: «به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن اندرز بخواه، حلالش را حلال بشمر و حرامش را حرام. در دومین دستور به سراغ وضع دنیا می‌رود و می‌فرماید: «از حوادث گذشته برای باقیمانده و آینده عبرت‌گیر، چراکه بعضی از آن شبیه بعضی دیگر است و پایش به آغازش باز می‌گردد و تمام آن متغیر و ناپایدار است»؛ (وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا، فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا، وَ آخِرَهَا لَأَحَقُّ بِأَوَّلِهَا، وَ كُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ). مفهوم مجموع این کلمات آن است که اگر انسان اصول کلیدی زندگی بشر و حوادث جهان را با مطالعه در تواریخ پیشین دریابد می‌تواند حوادث امروز و آیندهٔ خود را به طور اجمال کشف کند و در برابر آنها موضع مناسبی بگیرد. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۱، ص ۳۴۲)

بعنوان بهترین گفته و نوشته در خطبه ۱۱۰ فرمودند: وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ. قرآن را بیاموزید که بهترین گفته‌هاست. (عزیزی، نهج البلاغه موضوعی، خطبه ۱۱۰، ص ۵۰۸)

امام علیه السلام در این خطبه، چهار دستور ارزشمند در اهمیت قرآن بیان می‌فرماید. در واقع چهار مرحله مختلف را که به طور طبیعی، یکی بر دیگری تقدّم دارد، ذکر فرموده: در مرحله نخست، دستور به فراگرفتن قرآن می‌دهد و آن را «**احسن الحدیث**» می‌شمرد؛ چرا که جامع‌ترین دستور سعادت انسان‌هاست. در مرحله بعد، به تفکر و اندیشه در معنا و محتوای آن، دستور می‌دهد. در مرحله سوم، دستور به عمل می‌دهد و می‌فرماید: از نور آیات الهی شفا بگیرد؛ همان گونه که بسیاری از بیماران از پرتو نور آفتاب، سلامتی خود را باز می‌یابند و محیط زندگی آنها با تابش نور آفتاب از عوامل بیماری پاک‌سازی می‌شود، که گفته‌اند: «آنجا که آفتاب بتابد طبیب نیاید». و در مرحله چهارم، با جمله «**أحسنوا تلاوته**؛ قرآن را به نیکوترین وجه، تلاوت کنید» تا دل‌های مشتاقان به سوی آن جذب شود و دور افتادگان، به آن نزدیک گردند، وظیفه تبلیغ صحیح قرآن را گوشزد می‌نماید. امام علیه السلام با این چهار دستور، وظیفه مردم را در برابر قرآن مجید مشخص کرده و ای کاش تنها به تلاوت و تجوید و زیبایی صوت و قرائت، قناعت نمی‌شد و مراحل دیگر که هدف اصلی را تشکیل می‌دهد، درباره قرآن پیاده می‌گشت. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۴، ص ۶۳۶)

در بخشی از خطبه ۱۵۸ در زمینه شفا دهنده دردهای شما، و سامان دهنده امور فردی نقل کردند: **الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ**. از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما، و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است. (عزیزی، عباس، نهج البلاغه موضوعی، ص ۵۲۷)

در این خطبه از فضایل پیامبر بزرگ اسلام و عظمت قرآن مجید سخن می‌گوید. در بخش اول امام علیه السلام ترسیمی از عصر بعثت و سپس اهمّیت و عظمت قرآن ارائه داده است و بر این معنا تأکید می‌کند که داروی تمام دردها و آگاهی مربوط به آینده و گذشته در این قرآن است. امام علیه السلام در آغاز این خطبه اشاره کوتاه و پر معنا به وضع زمان جاهلیت، مقارن قیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده، می‌فرماید: «خدا او را در زمانی فرستاد که فاصله‌ای از پیامبران پیشین گرفته بود (و امت‌ها تعلیمات آنان را به فراموشی سپرده بودند) ملت‌های جهان به خواب عمیقی فرو رفته و تار و پود حقایق مبرم (نظام زندگی انسان‌ها) از هم گسسته بود» **(أرسله علی حین فترة من الرّسل، و طول هجعة من الأمم، و انتقاض من المبرم)**.

و به دنبال آن می‌افزاید: «در این هنگام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مردم کتابی آورد که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کرد و نوری که باید به آن اقتدا شود، (در پرتو آن پیش روند)» **(فجاءهم بتصدیق الذی بین یدیه، و النور المقتدی به)**. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۶، ص ۱۹۴) همان گونه که نور، فضای زندگی را روشن می‌سازد و انسان را از گمراهی

و سقوط در پرتگاه‌ها حفظ می‌کند، گیاهان را می‌رویانند و تمام موجودات زنده را پرورش می‌دهد، قرآن مجید نیز در جنبه‌های معنوی و مادی، نجات بخش و پرورش دهنده است.

۴- کسب و کار و تلاش برای رفع فقر

از نظر لغوی کار به معنای فعل و عمل و کردار انسان است و در اصطلاح، کار فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا یا خدمات می‌انجامد و به آن دستمزدی تعلق می‌گیرد. به عقیده‌ی بعضی از صاحب نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه‌ی انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند (توسلی، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی کار و شغل، ص ۹).

کار و فعالیت از عوامل پویایی و موفقیت یک جامعه‌ی سالم و با نشاط، کار و فعالیت مردم آن جامعه است. در آموزه‌های اسلامی، تاکید فراوانی بر انجام کار شده است. کار به عنوان یک امر مثبت و مقدس برای دست یابی به زندگی شایسته و سالم شناخته شده است. همچنین ارزش و منزلت آدمی در گرو کار و کوشش او بستگی دارد. امام علی علیه السلام کارهایی مثل حفر چاه و قنات، کشت درخت، آباد کردن باغ‌ها و انجام کار به شرط مزد گرفتن حتی برای غیر مسلمان انجام می‌دادند. گاهی ایشان در باغ‌های مدینه برای بنی قریظه و بنی النضیر که یهودیان مدینه بودند، کار می‌کرد و مزد می‌گرفت و با آن پول زندگی می‌کرد. (پیشوائی؛ ۱۳۷۹، سیره پیشوایان، ص ۷۲)

حضرت علی علیه السلام استاد و خلاق در کارآفرینی، فعال در تأمین معیشت مردم و مبتکر حفرچاه و شناسایی آب "کار" را در خطبه ۲۳ چنین تعریف کردند: کار عبارت است از تلاش و کوشش انسان‌ها برای آماده کردن زاد و توشه‌ی آخرت در دوران زندگی در دنیای مادی. **فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْاجْتِهَادِ وَ التَّاهِبِ وَ الْاِسْتِعَادِ وَ التَّزْوُدِ فِي مَنَزْلِ الزَّادِ وَ لَا تَعْرَنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا.** بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت و در دوران زندگی دنیا. دنیا شما را مغرور نسازد. (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳)

امام علیه السلام در این بخش از خطبه به دنبال بحثی که درباره شادان مرگ و پایان زندگی و استفاده از نعمات مادی این دنیا بیان فرمود همه مردم را مخاطب قرار داده و توصیه می‌کند که تا فرصت دارند از دنیا زاد و توشه بر گیرند و فریب زرق و برق و لذات دنیا را نخورند و از پیشینیان خود عبرت گیرند. از نظر امام (ع) انجام توبه، رسیدن به مرحله کمال، رفع کینه و فقر و غم، تقویت در امور دینی و موفقیت بشری در زندگانی دنیوی و اخروی را تحت تاثیر انجام تلاش و کوشش انسان در رفع نیازهای اولیه و ثانویه زندگی بیان کردند.

امام (ع) در اهمیت رزق روزی گفتند: **وَ قَالَ (عليه السلام) اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالْصَّدَقَةِ.** روزی را با دادن صدقه فرود آرید. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، ص ۳۸۶)

بر اساس مطالب و مباحث مذکور در مورد کار و تلاش، دیدگاه امام علی (ع)، به شرح زیر است:

۱- در اندیشه و سیره‌ی حضرت علی علیه السلام کار و تلاش از مباحث مهم محسوب می‌شود. یکی از حقوق اولیه‌ی مردم آن است که همه حق دارند، شاغل باشند و در برابر کار و کوشش خود مزد و پاداش مناسب دریافت کنند؛

۲- حضرت علی علیه السلام در طول عمر خویش علاوه بر حمایت از اسلام و امامت به کارهای زراعت و باغبانی می‌پرداخت و درآمد آن را صرف امور مسلمانان به ویژه محرومان و یتیمان می‌کرد؛

۳- یکی از وجوه تمایز و برتری برخی انسان‌ها بر بعضی دیگر، کار و تلاش است؛ زیرا کارها آثار دنیوی و اخروی به همراه دارد؛

۴- ملاک‌ها و معیارهای مهم در انتخاب شغل و کار عبارتند از: کار توأم با آگاهی (آگاهی و شناخت نسبت به کار)، اخلاص در کارها (هدف دار بودن).

۵- کارهای شایسته دارای این ویژگی‌هاست: نزدیک سازی انسان به سوی حق و خداوند، منطبق بودن با موازین الهی و اسلامی، مضر نبودن برای جامعه، منجر نشدن کار به آسیب و انحراف فردی و اجتماعی، انجام دادن کار با هدف صلاح و آبادانی جامعه، حلال بودن کار از نظر شرع.

۵- صله رحم با آشنایان

صله رحم از دو واژه «صِلِه» و «رَحِم» تشکیل شده است. صله به معنای پیوستن دو چیز است و رَحِم به معنی جای کودک در شکم مادر است. واژه رحم، در «صله رحم» استعاره برای قرابت و خویشاوندی است. صله رحم را به معنای ارتباط و دیدار با خویشاوندان و کمک به آنها دانسته‌اند از صله رحم در مباحثی چون هدیه، ازدواج و شهادت دادن (در دادگاه) سخن به میان آمده است. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه صله رحم)

صله رحم از آموزه‌های مورد توجه در آیات و روایات و سبک زندگی پیامبر (ص) است.

امام (ع) در رعایت حق همسایه و خویشاوندان در نامه ش ۴۷ فرمودند: **اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ فَلَا تُغْبَوْا أَفْوَاهَهُمْ وَلَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ وَاللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةٌ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورَثُهُمْ**. خدا را! خدا را! درباره یتیمان، آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید، و نزد خود ضایعشان مگذارید. خدا را خدا را! درباره همسایگان که آنان سفارش شده پیامبر شمایند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیوسته درباره همسایگان سفارش می‌کرد چندان که گمان بردیم آن‌ها را ارت برقرار خواهد داد. (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۴۷، ص ۳۹۹)

نامه ش ۴۷ مانند نامه ش ۲۳ از وصایای امام علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام است، این نامه در حقیقت یکی از وصایای جامع و پرمحتوای امام علیه السلام هنگامی است که در بستر شهادت افتاده بود، خطاب به فرزندان حسن و حسین علیهما السلام، بلکه همه شیعیان، حاوی چند بخش مهم در اهمیت رعایت حقوق شهروندی نسبت به خویشاوندان است. در بخشی از این نامه انگشت روی چند مسأله بسیار مهم گذارده و دعوت به کفالت ایتمام و حفظ حقوق همسایگان و عمل

به قرآن و اهتمام به امر نماز و حج و جهاد با مال و جان و زبان و ارتباط با یکدیگر و ترک جدایی‌ها و امر به معروف و نهی از منکر دارد.

۶- انجام توبه و بازگشت از گناهان

توبه به معنای «بازگشت» است. این کلمه در قرآن گاه برای انسان به کار رفته است و گاه برای خدا که در این موارد با حروف اضافه متفاوت به کار می‌رود. این فعل وقتی برای انسان به کار می‌رود «تَابَ إِلَى اللَّهِ» به معنای بازگشت بنده از گناه به سوی خداوند است. و وقتی درباره خداوند به کار می‌رود («تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ») به معنای غفران و بخشش خداوند نسبت به بنده و دادن توفیق توبه به اوست. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ذیل واژه توب) امام علی (ع) در نامه ش ۳۱ در اهمیت دعا و توبه فرمودند: **وَلَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ**. و خداوند در صورتی که مرتکب بدی شوی تو را از توبه مانع نشده (و درهای آن را به روی تو گشوده است). (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۹، ص ۵۸۲)

۷- کسب روزی حلال

کار و تلاش برای اهل تقوا در طلب روزی حلال و خدمت به خلق از برترین عبادات و قدم برداشتن در این مسیر هم شأن و رتبه جهاد فی سبیل الله است. در دین مبین اسلام کسب روزی حلال یکی از مهمترین امور معیشتی در زندگی می‌باشد. در نهج البلاغه بدین شکل نقل شده: **(الْحَلَالُ): مَا أَبَاحَهُ اللَّهُ وَسَمِيَ حَلَالًا لِانْحِلَالِ عَقْدَةِ الْخَطَرِ عَنْهُ ضِدَّ الْحَرَامِ**: آنچه خدا مباح کرده و حلال نامیده شده برای باز شدن گره منع از آن. (شرقی، قاموس نهج البلاغه، جلد: ۱، صفحه: ۴۴۵) در حکمت ش ۳۴۴ پیرامون کسب مال و روزی حلال فرمودند: **مَعَاشِرَ النَّاسِ اتَّقُوا اللَّهَ فَكَمْ مِنْ مُؤْمَلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ وَ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ أَصَابَهُ حَرَامًا وَ اِحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا**. مردم از خدا بترسید! که چه بسیار آرزومند که به آرزوی خود نرسید، و سازنده‌ای که در ساخته خویش نیارمید، و گردآورنده‌ای که به زودی گردآورده‌ها را رها خواهد کرد و بود که آن را از راه ناروا فراهم آورد، و حقی که به مستحقش نرساند، از حرام به دست آورد و گنااهش بر گردنش ماند. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، ص ۴۲۲)

امام علیه السلام در این کلام حکیمانه و کوبنده به دنیاپرستان و گردآورندگان اموال حرام و غیر مشروع هشدارهای جدی می‌دهد، نخست به‌طور کلی از آرزوهای عقیم و دست نیافتنی سخن می‌گوید، سپس انگشت روی دو مورد خاص؛ یعنی بناها و قصرها، و اموال و ثروت‌ها می‌گذارد. بناهایی که انسان می‌سازد و رها می‌کند و می‌رود و اموالی که گردآوری کرده و بی‌آن که از آن‌ها بهره‌برداری می‌سازد و دنیا را ترک می‌گوید. سپس به این نکته اشاره دارد که مشکل این گروه از دنیاپرستان تنها این نیست که از نتیجه زحمات خود بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه مشکل مهم‌تری در پیش دارند و آن تهیه این اموال از

طرق نامشروع و مسئولیت‌آفرین است. می‌فرماید: «چه بسا آن‌ها را از طریق باطل گردآوری کرده و یا حق آن را نپرداخته‌اند»؛ (و لَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ، وَ مِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ). (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۴، ص ۷۴۹)

امام علی (ع) در نامه ش ۴۵ در مورد کسب روزی حلال فرمودند: **فَانظُرْ اِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظُهُ وَ مَا اَيَقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ فَنَلِّ مِنْهُ.**

بنگر که در خانه این کسان چه می‌خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری از دهان بیفکن و آنچه را، که یقین داری که از راه حلال به دست آمده است، تناول نمای. (علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه (ترجمه آیتی)، ص ۷۰۱)

۸- برپایی نماز

واژه نماز واژه‌ای از زبان پهلوی ساسانی است که تلفظ درست آن نماژ می‌باشد و نیایش زرتشتیان بوده و ایرانیان آن را برای واژه "صلاة" عربی به کار بردند. انسان موجود فراموش‌کاری است؛ نه تنها دیگران را فراموش می‌کند، (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه نماز) بلکه بسیار می‌شود که به خود فراموشی نیز مبتلا می‌گردد و این خود فراموشی بزرگ‌ترین دشمن سعادت اوست. مهم‌ترین آثار نماز، بیدار ساختن انسان و پایان دادن به خود فراموشی است، زیرا هنگامی که یاد خدا به میان آمد، وضع به کلی دگرگون می‌شود. آیه شریفه «**اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**» که فلسفه نماز را یاد خدا می‌شمارد. (طه/۱۴)

نتیجه‌گیری

دین برنامه سعادت و رستگاری بشر است. دین‌داری نهادینه کردن تعالیم و ارزش‌های دینی در همه ابعاد زندگی است که ثمرات بی شماری در فرد و اجتماع دارد. از نگاه آموزه‌های دین، حبّ دنیا ناپسند و زمینه‌ساز خطاهای بعدی است. نقصان در تبیین مفاهیم دینی، کوتاهی در ارائه زبان دین، ناتوانی در بیان مفاهیم متعالی دین از جمله آفاتی است که می‌تواند منجر به "پیامدهای فردی و اجتماعی دین‌گریزی" شود. اگر متولیان و داعیان و مبلغان دین، مفاهیم دینی را به گونه‌ای نارسا ارائه کنند، این امر هم به دین آسیب وارد می‌کند و هم بستری فراهم می‌نماید که روی آوردگان به دین در عرصه‌ی دینداری آسیب پذیر شوند. هر مفهومی از مفاهیم دین اگر دستخوش تنگ نظری، کج فهمی، کوتاه بینی و ضعف فکری شود، صورتی نارسا و نابسامان پیدا می‌کند که هر انسان فهیم و خرد ورزی را به نفی و مقابله با آن و حتی سستی در باورهای دینی و دین‌گریزی می‌کشاند.

اسلام دین جامع و کاملی است که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه داشته است نه صرفاً بعد فردی و یا منحصر در ابعاد دیگر. پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) نیز چون معلمی ظهور کرد تا در کنار اهداف والای توصیه و نبوت و معاد، مسایل اجتماعی را تقدیم جامعه انسانی کند تربیت اجتماعی و دینی جامعه و مبارزه با کج‌روی‌های آن، جز با میل، انگیزه و خواست افراد جامعه تحقق نمی‌یابد.

نمی‌توان با تهدید، زور و فشار افراد را از نابسامانی‌ها دور ساخت. مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه‌ای از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به هم‌نوعان و هم‌کیشان خود بشناسد و آگاهانه برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها اقدام نماید. به تعبیری دیگر تربیت اجتماعی؛ آشنا ساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش. تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام اسلامی است. در این راستا کتاب نهج البلاغه یک کتاب راهبردی در حوزه تربیت فردی و اجتماعی می‌باشد. با مطالعه نهج‌البلاغه فرد می‌تواند خود را بشناسد، با جهان‌شناسی الهی و ابعاد متعدد دین‌شناسی، راهبردهای دینی و روش‌های برخورد با گروه‌های افراطی و گمراه در دین‌آشنایی پیدا کند. بدین دلایل امام علی (ع) برای نجات بشری از هنجارشکنی دینی و اجتماعی با گروه‌های فتنه‌گران، بدعت‌گذاران، جاهلان و دین‌فروشان رو به رو شده و در مسیر مبارزه با این کج‌روی‌ها با الهام از مبانی اصیل اسلامی و قرآنی با روش‌ها و راهبردهای فردی و اجتماعی مردم را دعوت به تقویت اندیشه‌های دین‌مداری نموده بود. امام (ع) در خطبه ش ۱۲۰، چارچوب، نما و اصول کلی راهبرد و توسعه اندیشه‌های دینی- اجتماعی را ترسیم نموده و فرمودند: **وَإِنَّ شَرَّ أَعْيُنِ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَ سَبِيلُهُ قَاصِدَةٌ**. و چراغ دین با راهنمایی ما افروخته است. بدانید که راه‌های دین که نزد ماست.

منابع

- ≠ قرآن کریم.
- ≠ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۳، قم، نشر الهادی.
- ≠ نهج البلاغه امام اول، ۱۳۷۸، (ترجمه شهیدی)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ≠ نهج البلاغه، ۱۳۸۳، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر الهادی.
- ≠ نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه، داریوش شاهین، تهران، جاویدان،
- ≠ اسفندیاری، محمد، ۱۳۹۶، آسیب شناسی دینی، تهران، نشر کویر.
- ≠ ابن میثم، میثم بن علی، ۱۳۷۵، ترجمه شرح صد کلمه امیر المؤمنین علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی
- ≠ ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع
- ≠ بیت اللهی، رجب، ۱۳۸۶، علل دین گریزی و راه های مقابله با آن، فصلنامه حسنا، شماره ۵.
- ≠ جعفری، محمدمهدی، ۱۳۸۰، پرتوی از نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- ≠ جمالی، نصرت الله، ۱۳۷۸، عوامل سقوط حکومت ها در قرآن و نهج البلاغه، تهران: نشر نهایندی.
- ≠ حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴، تاج العروس، محقق علی هلالی و سیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول
- ≠ دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۱، لغتنامه دهخدا، تهران، نشر بوستان
- ≠ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۱، المفردات، بیروت، مرتضوی
- ≠ رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۸۴، درسنامه وضع حدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ≠ صانعی، پرویز، ۱۳۷۲، جامعه شناسی ارزش ها، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ≠ شرقی، محمد علی، ۱۳۶۶، قاموس نهج البلاغه، تهران، دار الکتب الإسلامیة،
- ≠ عزیزی، عباس، ۱۳۸۰، نهج البلاغه موضوعی، قم، صلاة.
- ≠ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، اصول کافی، قم، مدرسین حوزه علمیه قم.
- ≠ مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۷، آموزش عقاید، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- ≠ مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، آشنایی با علوم اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
- ≠ مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، سیری در سیره نبوی، قم، نشر صدرا،
- ≠ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه
- ≠ منتظری، حسینعلی، ۱۳۸۳، درسهایی از نهج البلاغه، تهران، سرایی
- ≠ هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.